

مهربان‌ترین پدر

نوشتاری چند در امامت و ولایت حجت موعود علیه السلام

۴

کلی از

گروه تحقیق و مطالعه‌ی «پدر مهربان»

جمعی از نویسندگان

مهربان‌ترین پدر (نوشته‌ای چند در امامت و ولایت حجت موعود علیه السلام) دفتر چهارم / تهران: آفاق، ۱۳۹۱.

۹۶ ص. -- (شناخت‌های اعتقادی، ۴۵) کتاب‌نامه: به صورت زیر نویس.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات قبلی (۱) ISBN 978 - 964 - 8918 - 24 - 3 (دوره) 6 - 23 - 964 - 8918 - 978 ISBN

(۲) ISBN 978 - 964 - 8918 - 26 - 7 (۳) ISBN 978 - 964 - 8918 - 29 - 8 (۴) ISBN 978 - 964 - 8918 - 30 - 4

MEHRABAANTARIN PEDAR (The kindest Father)

ص. ع. لاتینی شده:

۱. محمدرضا الحسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ بیت / ۲. حدیثیت -- انتظار.

۲۹۷/۳۶۲
۱۷۹۳۷۶۷



۹۸۸ - ۹۱۱ م / ۴ / ۱۳۹۱

کتابخانه‌ی آفاق، تهران



نشر آفاق

تهران: خیابان پاسداران، دهستان چهارم (گل‌نبی)، نش زمره ۳ - بلاک ۳ - کد پستی ۱۹۲۷۹۴۶۶۶۶ - تلفن: ۲۲۸۲۷۰۳۵ - فاکس: ۲۲۸۵۵۹۰۷

E-mail : info@afagh.org

www.afagh.org

مهربان‌ترین پدر (۴)

جمعی از نویسندگان

چاپ اول: ۱۳۹۱ ش. ۵۰۰ نسخه

ویراستار: سیدعلی رضوی

طراح جلد: علی اکبریزدی

حروف چینی و صفحه‌آرایی: سپاهی

صفحاتی: فرتو

۲۵۰۰ تومان

حقّ شرعی و قانونی هر نوع چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است.

شابک دفتر چهارم ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۱۸-۳۰-۴ شابک دوره ۶-۲۲-۹۱۸-۹۶۴-۹۷۸

تقدیم به ...

پدر مهربانم!

همه‌ی هستی‌ام!

آفتاب تپان و ستاره‌ی درفشانِ زندگی‌ام!

تمامی این خطوط، حاصل لفظ‌هایی است که به تو اندیشیده و از تو گفته و از تو شنیده‌ام؛

لفظ‌هایی که به یاد تو بوده‌ام و کوشیده‌ام دیگران را به یاد تو بیندازم.

... ثمره‌ی این لفظ‌ها، بیشکش تو باد!

سخن ناشر

از مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظایف ما، در تمامی دوران‌ها، به‌ویژه عصر غیبت - که در خطابه‌ی غدیر نیز به آن تصریح و بر آن پیمان گرفته شده است- رسانیدن پیام رسول خدا ﷺ و ابلاغ و تبیین امر امامت و ولایت ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و در زمان حاضر، امام زمان حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌است.

یکایک ما شیعیان مسؤولیت داریم که از کلیه‌ی استعدادها و تمامی امکانات، در جهت اطاعت از این فرمان خداوند مهربان و پیامبر رحمتش ﷺ و ادای وظیفه‌ی شرعی یادشده، بهره‌گیریم؛ باشد که از ره‌گذر شناخت شؤون امامت و قائمیت آن امام همام، از مرگ جاهلی‌رهایی یابیم و صادقانه نسبت به او محبت و ارادت ورزیم و

«هیچ مؤمنی بیمار نمی‌گردد؛ جز این‌که ما هم به خاطر او بیمار می‌شویم و غمگین نمی‌شود؛ مگر آن‌که ما با
اندویش و غم می‌خوریم و دعایی نمی‌کند؛ جز این‌که به دعای او آمین می‌گوییم و هیچ‌گاه سکوت نمی‌کند؛ مگر
آن‌که برای دعای او دعا می‌کند»^۱

فرزندی که در کنف حمایت و زیر چتر مهر و عطف و پدر باعاطفه و مهربان خویش، لحظه‌ها و روزهای عمر
را سپری می‌کند، در امنیت و آرامش به سر می‌برد و نگرانی و اضطراب ندارد. کودکی که دست در دست پدر می‌گذارد
و دل به او می‌سپارد، در پیمودن راه، منحرف نمی‌شود و به مقصد می‌رسد؛ پدری که خدا او را سرپرست و مربی قرار
داده و بلدر راه است. به جا آوردن شکر نعمت مهربانی پدر، صالح بودن فرزند است.

درست است که خداوند مهربان در عصر غیبت بر ما غضب کرده و حجت خویش را از آشکار شدن در برابر
عموم، بر حذر داشته و نعمت ظهور و لیتش را در زمین از مردم گرفته است؛ عاقلانه و صحیح نیست که از روی جهل، بر
محرومیت غیبت، بار محرومیت‌های جان‌گناه دیگر افزوده شود و آثار و برکات امامت امام که نعمت عظمای الهی
است، به فراموشی سپرده گردد؛ زیرا غریب و مهجور و متروک گذاردن امام علیه السلام حکایتگر افزایش محرومیت و کفران
و ناسپاسی آدمیان است.

امام زمان علیه السلام از پدر به ما نزدیک‌تر و مهربان‌تر است؛ مهربان‌ترین پدر است. او دائماً مراقب ماست؛ مواظب

۱. بصائر الدرجات (ابن فروخ) باب ۱۶، ح ۱.

است؛ در حالی که هیچ نیازی هم به ما ندارد. محبت پدر و مادر جلوه‌ی محدودی از محبت امام زمان به ماست. امام زمان علیه السلام کهف حصین است. پناه و ملجأ ماست. «ید الله الواسعه» است. اگر ارتباط ظاهری در این دوران برایمان میسر نیست، رابطه‌ی قلبی که ممکن است. می‌توان به راحتی با او سخن گفت و این نوع ارتباط به رودررو شدن مشروط نیست.



آن عزیز را بر خود مقدم بدانیم و همه‌ی خیر و خوبی‌ها را ابتدا برای او بخواهیم. ظهورش را نزدیک و ناگهانی بدانیم و هرگز یأس به خود راه ندهیم. با عمل صالح دل او را شاد و آبرویش را حفظ کنیم. دوستی و دشمنی‌مان به خاطر او باشد. از اندوهگین ساختن او بپرهیزیم و با دوری از زشتی‌ها، برایش زینت باشیم. از آن بزرگ تجلیل کنیم و نامش را بلند داریم و یادش را زنده. از بار غربت امام زمان علیه السلام بکاهیم و دیگران را برای بهره‌مندی از برکات حضرت او تشویق کنیم. سلامت و رفع گرفتاری و ظهورش را از درگاه الاهی در دعاهایمان فراموش نکنیم... اگر سعادت یافتیم، خوش حال باشیم که جزء کوچکی از شأن امامت آن مولا را شناخته‌ایم... و اندکی از وظایف خویش را در حدّ وسیع، نه درخور آن مهربان‌ترین پدر، به‌جا آورده‌ایم.

امید که توفیق‌مان دهد ا

ناشر

کتاب پیش روی شما دفتر چهارم مجموعه‌ی مقالاتی است از ارادتمندان ساحت مهدوی که می‌کوشد با ارائه‌ی نکات ساده و تذکرات کاربردی و در قالب‌های کوتاه و مؤثر، مهربان‌ترین پدر را معرفی کند و مخاطبان را نسبت به حضور و نقش امام حاضر و زنده یاد آور شود و به تحکیم پیوند عاطفی و تمسک نسبت به آن پدر و ارتباط قلبی با حضرتش سفارش کند و تشویق‌گر ایمانی و وظایف باشد؛ پدری که ضرب‌آهنگ قلب پُر عطف و فتش همه‌ی هستی را در بر می‌گیرد... و او خود قلب عالم هستی است.

... امید آن‌که در آینده‌ای نه چندان دور، بتوانیم دفترهای دیگر را که در حال آماده شدن است، در دسترس مخاطبان قرار دهیم؛ ان شاء الله.

محتوای این مجموعه در دو فصل: «مقام امامت و ولایت» و «مقام قائمیت» با موضوعات مستقل و سبک‌های متنوع ارائه گردیده است؛ لیکن از آن‌جا که در عصر حاضر مقام امامت و شأن ولایت امام عصر عجل الله فرجه، به‌رغم اهمّیت وافر آن، مهجور و ناشناخته مانده و متأسفانه کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، این جنبه از شوون آن حضرت به دفترهای نخستین اختصاص یافته است.

آغازین سخن

صفا و طراوت، سرسبزی و خرمی، لطافت و زیبایی، عطر شکوفه‌های رنگارنگ و گل‌ها و غنچه‌های
نوشکفته... این همه معجزه‌ی بهاران است.
کدام بهار؟!

نیمه‌ی شعبان! فرخنده زادروز میهر تابان، ربیع‌انام و سرسبزی دوران، موعود روزگاران، وارث پیامبران،
امید امیدواران، یگانه پادشاه حقیقی عالم امکان، خلیفه‌ی برگزیده‌ی پروردگار عالمیان، دوازدهمین امام شیعیان،
حضرت حجّة‌بن‌الحسن، صاحب الزّمان عجل‌الله‌فرجه...

کسی که خداوند سروری و آقایی بر مردمان را به خاندان‌والامقام او بخشیده است... در نهمین پگاه
نخستین ربیع، سیادت و امامت اجداد طاهرینش به وی رسید.

هم اوست که انبیا و مرسلین، به سویش چشم امید دوخته‌اند تا... بار سنگین رسالت‌الاهی را به سرانجامی
روشن رساند و پرچم باعظمت حق را به اهتزاز درآورد.

او در مقام قائمیت، سرداری و سپهسالاری سپاه پیروز خداوند را بر عهده دارد و با محو و نابودی ظلم و ستم
(و برترین مصداق آن، شرک و کفر) توحید و عدالت را در سراسر گیتی حاکم می‌سازد تا آیینی که خداوند بر خلق
خود پسندیده، استقرار یابد و خلاق در کمال امنیّت و آسایش، خداوندگار خویش را بندگی کنند؛ هر چند کافران را
خوش نیاید.

در نهم ربیع الأول سال ۲۶۰، مولای ما بر سریر امامت تکیه زد و تاج ولایت بر سر نهاد؛ افسری که پروردگار عالم به دو نگین امامت و قائمیت زینت‌اش بخشیده است.

منصب قائمیت

قیام با شمشیر، در مقابل ظلم و جور، شأن خاص حضرت مهدی موعود علیه السلام است و سایر انمه‌ی اطهار علیهم السلام دارای چنین وظیفه و مسؤولیتی نبوده‌اند و از اختصاصات قائمیت این است که آن حضرت، به هنگام قیام، بیعت هیچ‌کس ظالمی را بر گردن ندارد. بنا بر روایتی،

ابو حمزه‌ی ثمالی از امام باقر علیه السلام پرسید:

... ای فرزند رسول خدا! مگر همه‌ی شما حق را به پای نمی‌دارید؟
فرمود: «چرا».

- پس چگونه است که تنها حضرت قائم را به این نام می‌خوانند؟

- «هنگامی که جدم حسین علیه السلام کشته شد، فرشتگان به درگاه خداوند گریه و ناله کردند و گفتند: ای معبود! آیا از کشته شدن برگزیده و فرزند برگزیده‌ی خود غافل‌ای؟!

حق تعالی نداد در داد: شیون نکنید و قرار گیرید؛ ای فرشتگان من! به عزت و جلال خویش، از آنان انتقام

خواهم گرفت. هر چند پس از روزگاری دراز.

آن‌گاه، امامان را از تبار امام حسین علیهم‌السلام برای ملائکه نمایان ساخت. فرشتگان خشنود شدند. در آن هنگام، یکی از ایشان را دیدند که بر پای استاده نماز می‌گزارد.

خداوند عزوجل فرمود: به دست این قیام‌کننده، از آنان کیفر خواهم ستاند.^۱

ویژگی دیگر قائمیت این است که آن حضرت دنیا را از عدل و داد پُر می‌سازد؛ همان‌طور که از ظلم و جور آکنده شده است.

زیان بن ضَلَّت قمی گوید:

به امام رضا علیه‌السلام گفتم: آیا شما صاحب‌الامرید؟ فرمود:

«من صاحب‌امریم؛ اما آن‌که زمین را از عدل می‌آکند چنان‌که از جور پُر شده باشد من نیستم. چگونه او باشم؟ در حالی که ضعف بدن مرا می‌بینی؟ قائم کسی است که در کهن سالی به سیمای جوان، به پامی خیزد و آن قدر نیرومند است که اگر به سوی بزرگ‌ترین درخت روی زمین دست دراز کند، آن را از جابر می‌کند و اگر در میان کوه‌ها فریاد برآورد، صخره‌ها فرو می‌پاشند. عصای موسی و انگشتر سلیمان با اوست. وی چهارمین فرزند از نسل من است. زمین پُر شده از ستم را از عدل و داد پُر می‌کند.»^۲

۱. علل الشرایع (شیخ صدوق): ۱۶۰.

۲. کمال‌الدین (ابن بابویه) ۲، باب ۳۵، ص ۸.

آن واپسین پیشوا در قیام و نهضت خود، به تأییدات الاهی مؤید است و خداوند با امدادهای غیبی، او را حمایت می‌کند و بر دشمنان پیروزی می‌دهد و سرانجام... دولت موعود را مستقر می‌سازد؛ دولت کریمه‌ای که وصف زیبایی‌های آن را بسیار شنیده‌ایم و همواره با حسرت و آرزومندی... فرا رسیدن آن دوران شکوهمند را انتظار می‌کشیم.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

«در آخر الزمان و در شدت روزگار و محالّت مردم، خداوند مردی را برمی‌انگیزد که به فرشتگان، او را حمایت و یارانش را محافظت می‌کند و با آیات و معجزات، یاری می‌رساند و بر سراسر زمین مسلط می‌گرداند تا همگان - بخوانند یا نه - در برابرش تسلیم شوند. او زمین را از قسط و عدالت و نور و برهان پُر می‌کند. طول و عرض جهان به تسلط او در می‌آید. در روی زمین، کافری نمی‌ماند؛ جز این که ایمان می‌آورد و ناشایست‌کاری یافت نمی‌شود؛ مگر که به صلاح و تقوی می‌گراید.»^۱

گفتنی است که مسؤولیت الاهی آن مولای موعود تنها در قیام و تشکیل حکومت حق، منحصر نیست؛ از «مقام امامت و ولایت» آن بزرگوار و وظایفی که ما در قبال آن به عهده داریم، غافل نباید بود!

۱. روزگار رهایی (کامل سلیمان، ترجمه‌ی علی اکبر مهدی پور) ۱: ۴۶۹.

شأن امامت و ولایت، بار سنگین دیگری از جانب خدای متعال بر دوش آن حضرت است که در این جایگاه همانند پدران والای خویش محلّ رجوع مردم در تمامی احتیاجات دنیوی و آخروی اند. پیامبر بزرگ ما صلی الله علیه و آله ایشان را معرفی فرموده و ویژگی‌هایشان را شرح داده است.

اگرچه آن پیشوای گران قدر به حکمت الاهی، از دیدگان بی سعادت ما پنهان است، این پنهانی چیزی از بار سنگین امامت و ولایت او نمی‌کاهد. در واقع آن حضرت تمامی زحماتی را که پدران بزرگوارش به خاطر مردم عصر خویش متحمل می‌گشتند، امروز در مورد ما بر عهده دارد و دل سوزانه و پدرانہ رعیت خویش را سرپرستی می‌کند. دیدن و ندیدن، قدر دانستن یا ندانستن و حتی حق ناشناسی و کفران نعمت ما نیز بر جایگاه امامت و ولایت آن حضرت خدشہ‌ای وارد نمی‌سازد.

آری، بهره‌مندی از آن چشمه‌ی نور، هم چون استفاده از خورشید پشت ابر است... که بی‌توجهی موجودات به حضور مهر درخشان در آسمان، مانع نورافشانی آن نمی‌گردد. با این وصف، آنان که آگاهانه و نیازمندانه، آفتاب می‌جویند و خود را در معرض تابش انوار حیات بخش آن قرار می‌دهند، هزار چندان بیش از غافلان در تاریکی مانده، بهره‌می‌برند.

این است که یکی از وظایف مؤکد شیعه در عصر غیبت، حفظ ارتباط و پیوند دائمی با امام و مولای خویش

است. این ایجاد رابطه، نه امری صرفاً نیکو و مستحب که فریضه و تکلیفی واجب به شمار می‌آید. از یاد نبرده‌ایم سخن رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم را، در حدیث ثقلین:

«من در میان شما دو یادگار گران قدر و ارزشمند باقی می‌گذارم که یکی کتاب خداوند، قرآن کریم، است و دیگری خاندانم. این دو از یک دیگر جدا نخواهند شد تا در قیامت، کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. تا گاهی که امت من به آن دست‌سک بسته‌اند... هرگز گم‌راه و تباه نخواهند گشت.»^۱

به این ترتیب، شرط اصلی و اساسی رستگاری و نجات، تمسک (رجوع لحظه‌به‌لحظه، استمداد در تمامی امور، تسلیم محض در همه حال) به این دو دستگیره‌ی الهی است؛ بی‌هیچ استثنایی.

در زمان حاضر و عصر کنونی نیز باب رحمت خداوند گشوده است و شیعیان موظف‌اند برای دریافت معارف دین و راه و رسم صحیح زندگی و حل و رفع مشکلات و حوایج مادی و معنوی، به سراغ مولایشان روند و سر بر آستان مبارکش ساینند و با استغاثه و توسل، از درگاهش راهنمایی بخواهند.

در میان وظایف شیعه نسبت به امام عصر عجل الله فرجه، بر این ایجاد پیوند بیش از همه تأکید شده است... تا آن‌جا که ذیل آیه‌ی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و یکدیگر را بدان‌وا دارید و با پیوندداری، پروای خدای پیشه سازید؛ باشد که رستگار شوید.»^۲ از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمودند:

۱. خلاصه‌ی عبقات الأنوار (سید علی میلانی)، باب نصوص روایات حدیث ثقلین.

۲. آل عمران (۳): ۲۰۱.

«... یعنی در ادای فرایض، بردبار باشید و در برابر دشمنانتان، پایداری نمایید و با امام خود، ارتباط ایجاد کنید.»

انسان سرگشته‌ی امروز، به انواع دردها و دردسرهای خودساخته دچار گردیده است و فساد و فحشا و ظلم، به ویژه شرک و بت پرستی و کفر و بی‌ایمانی، هر لحظه او را تهدید می‌کند. او در فشار آلام و بلاهای روزمره، قامت خم کرده و از شدت سردرگمی و بلا تکلیفی، به خود پیچیده و زیر تهاجمات امیال درونی و شیطان بیرونی به فریاد آمده است و اکنون... در چنین روزگاری، بیش از همیشه نیازمند آن است که حصنی حصین و دژی استوار و پناهگاهی مطمئن بدو نموده شود تا در حصار امن آن، لطمتی نیاید و پیش از رسیدن ظهور، از فیض و نعمت حضور بهره‌مند گردد.

پس به جا و شایسته است که این نشان‌دادن و آشنا ساختن به گونه‌ای صورت پذیرد که افراد، خود، در مسیر ارتباط معنوی قدم پیش گذارند و عملاً آن را تجربه و لذت بهره‌مندی از نتایجش را با تمام وجود احساس کنند.

با چنین دیدگاهی، در قالب قطعه‌ها و دل‌نوشته‌هایی چند به یادکرد تذکراتی پرداخته‌ایم که تحت دو عنوان کلی امامت و قائمیت طبقه‌بندی می‌گردد. امید که این مختصر در پیشگاه آن آفتاب پرده‌نشین مقبول افتد و با عنایات ویژه‌ی حضرتش، تأثیرگذار گردد.

۱. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن (سیدهاشم بحرانی، ترجمه‌ی حائری قزوینی)، ص ۹۸.